

متن پرسش

سلام: خسته نباشید استاد: ۱. سیر بدون استاد ذیل شخصیت های عرفانی که شما می فرمایید نظر علامه طباطبایی هم چنین بوده؟ یا فقط نظر شما و آیت الله بهجت چنین است؟ ۲. آیا این نوع سلوک معایی نسبت به سلوک با استاد دارد؟ ۳. آیا این نوع سلوک ارتباطی با شیوه اویسی دارد؟ ۴. امام خمینی (ره) در کتاب جهاد اکبر می گویند: اگر سالک بدون استاد برود ممکن است انسانیت خود را بزرگ کند و رشد دهد و به آن به عنوان توحید بنگرد. استاد! بنده مباحث شما رو دنبال می کنم ولی اینها برایم سوال بود. چرا این همه عارف صحبت از استاد می کنند ولی یک عارف مانند آیت الله بهجت لزومی نمی بیند؟ تعجب دارد. البته در خلال بحثهای ارزشمند شما جوابهایی یافتم ولی اگر زحمتی نیست اینجا برایم توضیح دهید تا متوجه شدم. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که آیت الله بهجت هم بعد از ایجاد فضای انقلاب اسلامی و تصور درستی از عرفان می فرمایند «علم تو استاد تو است». و در همین رابطه حضرت امام که فضای جامعه را آماده می بینند شرح سورهی حمد را طرح می کنند. بنده معتقدم در چنین فضایی می توان با توجه کامل به متون عرفانی و گرفتن درس از صاحب نظران، راه را طی کرد. حال اگر با حفظ همین فضا که انقلاب اسلامی ایجاد کرده است و شهداء ره صدساله را یک شبه طی کرده اند، انسان رفته ای که نور انقلاب اسلامی را می شناسد به عنوان راهنما پیدا کردید، چه بهتر. موفق باشید